

Governing Legal Principles and Common Features of Upstream Oil and Gas Contracts at the International Level

 Sahar Karimi

Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.
Karimi_sahar@khu.ac.ir



Abstract

Upstream oil and gas contracts are governed by a set of foundational principles whose recognition and application are essential for the development of modern and viable contractual frameworks. Key principles include freedom of contract and party autonomy, freedom of evidence, autonomy in selecting jurisdiction and dispute resolution mechanisms, the principle of pacta sunt servanda (the binding nature of agreements), optimal resource management, and adherence to international best practices in addressing environmental concerns. Despite their varied forms, upstream contracts share common characteristics such as international scope, complexity, divisibility, long-term duration, and a close connection to the host state.

Journal of Research and
Development in Public Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 2 | No. 3 | Spring and
Summer 2025
(Original Article)

<https://jrpl.illrc.ac.ir>

DOI:

<https://doi.org/10.22034/jrpl.2025.726138>


A comprehensive approach that incorporates these core principles and shared attributes is crucial throughout the negotiation, implementation, interpretation, and termination phases of such agreements. This approach also aids in assessing the relevance and applicability of different legal doctrines to upstream oil and gas contracts.

Keywords: Oil and Gas Law, Upstream Contracts, Freedom of Contract, Good Oilfield Practices, Natural Resource Ownership, International Trade Law.



تحلیل اصول حقوقی حاکم بر قراردادهای بالادستی نفت و گاز و استخراج ویژگی‌های مشترک موجود در آن‌ها در سطح بین‌المللی

استادیار حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
Karimi_sahar@khu.ac.ir

سحر کریمی 



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق عمومی
پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۲ | شماره ۳ | بهار و تابستان ۱۴۰۴
(مقاله پژوهشی)

<https://jrpl.illrc.ac.ir>

DOI:

<https://doi.org/10.22034/jrpl.2025.726138>

چکیده

اصول مشترکی بر قراردادهای بالادستی نفت و گاز حاکم است که توجه و اعمال آن‌ها از پیش شرط‌های مقبولیت انواع قالب‌های نوین در زمینه‌ی انعقاد آن‌ها می‌باشد. از اساسی‌ترین اصول مذکور میتوان به اصل حاکمیت اراده‌ی طرفین و آزادی قراردادی، اصل آزادی ادله، اصل آزادی طرفین در انتخاب شیوه‌ی حل و فصل اختلافات، اصل الزام‌آور بودن توافقات طرفین، اصل برداشت صیانتی از مخازن و اصل رعایت ملاحظات و ضوابط زیست‌محیطی اشاره نمود. به علاوه قراردادهای بالادستی نفت و گاز با وجود انواع مختلف دارای ویژگی‌های مشترکی از جمله ماهیت بین‌المللی، پیچیدگی، تفکیک‌پذیری، طولانی مدت بودن و ارتباط داشتن با کشور میزبان می‌باشند. شایسته است در راستای انعقاد، اجرا، تفسیر و خاتمه‌ی این قراردادها و پیشنهاد نظریه‌های قابل اعمال بر آن‌ها با رویکردی جامع و در نظر گرفتن تمام جوانب این عقود بر رعایت هرچه بیشتر اصول حاکم اهتمام ورزیده و همچنین ویژگی‌های مشترک این دسته از عقود، توجه گردد.

به این ترتیب با در نظر گرفتن ویژگی‌های مشترک حاکم بر قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز و نیز توجه به اصولی که می‌بایست در تنظیم آن‌ها رعایت شود راه برای امکان‌سنجی اعمال تئوری‌ها و نظریات مختلف بر این قراردادها هموار خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: حقوق نفت و گاز، قراردادهای بالادستی، آزادی قراردادی، مالکیت مخازن و منابع طبیعی، عرف پسندیده‌ی میادین نفتی، حقوق تجارت بین‌المللی.

مقدمه

واژه‌ی قرارداد در لغت به معنای قول، شرط و پیمان بوده و قرار بستن به معنای عهد بستن و پیمان بستن می‌باشد (قنواتی، ۱۳۷۹: ۸۹). در اصطلاح حقوقی نیز به معنای توافق و هم‌کاری متقابل دو یا چند اراده (کریمی و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۷) به منظور ایجاد آثار حقوقی می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۱). در نظام حقوق عرفی (Common Law) قرارداد توافقی است بین دو نفر یا بیشتر برای دادوستد چیزی که از آن به عنوان «عوض» یاد می‌شود و قصد بر الزام‌آور بودن این توافق از حیث قانونی دارند (Padfield, 1989, p. 112). قراردادهای بالادستی نفت و گاز آن دسته از قراردادهایی می‌باشند که با هدف اکتشاف، استخراج، تولید و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز منعقد می‌شوند. قراردادهای فوق از جمله قراردادهایی بوده که باعث رشد اقتصادی، افزایش جذب سرمایه‌ی خارجی و همچنین افزایش نقش اقتصادی کشورهای دارای ارتباط نزدیک با صنعت نفت و گاز در زمینه‌ی بین‌المللی خواهند شد.

این دسته از قراردادها که تعیین‌کننده‌ی روابط بین طرفین بوده و حقوق و تعهدات آن‌ها را مشخص می‌نمایند انواع و اهداف متفاوتی داشته و در نتیجه در قالب‌های گوناگونی منعقد می‌گردند. با این وجود اصول مشترکی بر آن‌ها حاکم بوده و همچنین دسته‌ای از ویژگی‌های خاص در این معاملات به چشم خورده که در اکثر این قراردادها وجود دارد. شناخت اصول حاکم بر این نوع از قراردادها علاوه بر راهگشا بودن در طراحی قالب‌های نوین قراردادی، موجب دقت نظر در تفسیر و اجرای آن‌ها در راستای پایبندی به اصول فوق نیز می‌گردد. از این رو مبحث نخست پژوهش حاضر به بررسی اصول حاکم بر این نوع از قراردادها اختصاص یافته است. همچنین لازم است ویژگی‌های مشترکی که میان قالب‌های مختلف این نوع قراردادها هستند شناسایی شود تا با در نظر گرفتن ویژگی‌های مذکور علاوه بر سهولت در طراحی قالب‌های نوین، بررسی اعمال تئوری‌های متفاوت بر قراردادهای میسر گردد و به همین جهت مبحث دوم این پژوهش به بررسی ویژگی‌های حاکم بر قراردادهای بالادستی نفت و گاز اختصاص یافته است.

۱. اصول حاکم بر قراردادهای بالادستی نفت و گاز

قراردادهای بالادستی نفت و گاز به دلایل شرایط خاص خود مبتنی بر اصولی می‌باشند که بر انواع مختلف آن‌ها و در سطح بین‌المللی حاکم است و می‌توان آن را قسمتی از عرف تجاری مقبول در این زمینه در سطح بین‌المللی دانست. بررسی اصول فوق از جهت امکان سنجی اعمال قواعد مختلف بر این نوع از معاملات، طراحی قالب‌های نوین و همچنین تفسیر و اجرای صحیح این نوع از عقود، ضروری به نظر می‌رسد. از اساسی‌ترین اصول حاکم بر قراردادهای بالادستی نفت و گاز که با برخی از قراردادهای دیگر به خصوص قراردادهای تجاری بین‌المللی مشترک هستند می‌توان به اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادهای تجاری (بند ۱)، اصل آزادی ادله (بند ۲)، اصل آزادی طرفین در انتخاب روش‌های حل و فصل اختلافات (بند ۳)، اصل الزام‌آور بودن توافقات و تعهدات طرفین (بند ۴)، اصل برداشت صیانتی از مخازن نفت و گاز (بند ۵) و اصل رعایت ملاحظات و ضوابط زیست‌محیطی (بند ۶) اشاره کرد.

۱/۱. اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی

مهم‌ترین اصل در رابطه با قراردادهای بالادستی نفت و گاز، اصل حاکمیت اراده و آزادی طرفین آن در انعقاد قرارداد است. طبیعت این دسته از قراردادهای تجاری بین‌المللی ایجاب می‌نماید که طرفین آن دارای اختیار کامل نسبی در تنظیم عقود و تأمین شروط مورد نیاز خود داشته باشند (نصیری، ۱۳۷۰: ۶۳). مطابق این اصل قراردادها مخلوق طرفین آن بوده (کریمی و کریمی، ۱۴۰۱: ۲۹) و به همین جهت طرفین در قراردادهای بالادستی نفت و گاز مانند سایر قراردادهای تجاری بین‌المللی می‌توانند اصول و قوانین حاکم بر معاهدات خود را تعیین نمایند (اعلایی‌فرد، ۱۳۹۴: ۶۵). ماده‌ی ۱ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی از مؤسسه‌ی بین‌المللی یک‌نواخت‌سازی حقوق خصوصی نیز به اصل آزادی قراردادی اختصاص داده شده و مطابق این ماده، طرفین قرارداد در ورود به یک قرارداد و در تعیین محتوای آن مختارند.^۱

1. UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts, 2016, Art. 1.1: "(Freedom of contract) The parties are free to enter into a contract and to determine its content."

با وجود این که اصل فوق در اکثر نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است بر سر حدود این اصل اخلاف نظرهای جدی هست. به عنوان یک قاعده‌ی کلی می‌توان گفت که اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی که مدلول این اصل است با عواملی چون قوانین آمره، نظم عمومی و اخلاق حسنه محدود می‌شود (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷). با این حال ماهیت خاص قراردادهای بالادستی نفتی و ویژگی‌های آن‌ها که به تفصیل در مبحث دوم پژوهش حاضر به آن پرداخته شده است باید در هنگام وضع قوانین مدنظر قانون‌گذار قرار بوده و به عبارت دیگر در راستای جذب سرمایه‌گذار خارجی شایسته است که از وضع قوانین آمره‌ی وسیع در این حوزه جلوگیری شود و بیشتر موارد به اراده‌ی طرفین واگذار گردد.

۱/۲. اصل آزادی ادله

هر چند که قراردادهای بالادستی نفت و گاز به دلیل اهمیت بالا و مبالغ هنگفتی که به عنوان حقوق یا وظایف طرفین در بر دارد به صورت کتبی بین طرفین منعقد می‌شوند ولی همچنان ممکن است توافقات جانبی‌ای در حین کار و مرتبط با آن‌ها انجام شود که در بحث اثباتی طرفین بخواهند تا از ادله‌ی دیگری بهره‌گیرند به خصوص که این قراردادها برای زمان‌های طولانی بوده و تعهدات زیادی را شامل می‌شود. این امر در ماده‌ی ۲ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی از مؤسسه بین‌المللی یک‌نواخت‌سازی حقوق خصوصی نیز بازتاب داشته است و مطابق این ماده داشتن قالب و یا چارچوب خاصی برای قراردادهای تجاری بین‌المللی الزامی نیست و از هر طریقی می‌توان محتوای آن را ثابت کرد.^۱ از این رو طرفین قراردادهای بالادستی نفت و گاز می‌توانند در مقام اثبات ادعای خود به هر نوع دلیل و مدرکی استناد نمایند.

1. Ibid, Art 1.2: "(No form required) Nothing in these Principles requires a contract, statement or any other act to be made in or evidenced by a particular form. It may be proved by any means, including witnesses."

۱/۳. اصل آزادی طرفین در انتخاب روش‌های حل و فصل اختلاف

از آثار اصل حاکمیت اراده، اصل آزادی طرفین در انتخاب شیوه‌های حل و فصل اختلافات خود در قراردادهای بین‌المللی بوده که در آن یکی از طرفین یا هر دو طرف تابع کشوری به غیر از کشور محل انعقاد یا اجرای قرارداد باشند (کریمی، ۱۳۹۳: ۱۴۷). این اصل به طرفین اجازه می‌دهد که برای حل و فصل اختلافات به روش‌های قضایی یا شبه قضایی مراجعه نمایند. اصل فوق بر قراردادهای بالادستی نفت و گاز نیز حاکم بوده و بر همین اساس است که ارجاع به داوری برای حل اختلافات ناشی از قراردادهای تجاری بین‌المللی و به‌ویژه قراردادهای بالادستی نفت و گاز روش مرسوم می‌باشد. ارجاعات به داوری ممکن است از طریق شرط ارجاع به داوری و یا قرارداد داوری باشد که در بیشتر موارد تحت حاکمیت قوانین داوری خاص بوده و متفاوت از قانون حاکم بر کلی قرارداد است. هرچند در این رابطه در حقوق ایران بر اصل ۱۳۹ قانون اساسی محدودیت‌هایی وجود دارد با این حال استناد به این محدودیت‌ها در عرصه‌ی بین‌المللی ممکن است پذیرفته نگردد.

۱/۴. اصل الزام‌آور بودن توافقات و تعهدات

اصل الزام‌آور بودن توافقات و تعهدات که با عنوان اصل وفای به عهد پذیرفته‌ی کلیه‌ی نظام‌های حقوقی می‌باشد از اصول کلی حاکم بر قراردادهای تجاری بین‌المللی نیز به شمار می‌آید که در نتیجه بر قراردادهای بالادستی نفت و گاز نیز حاکم می‌باشد. بر اساس ماده‌ی ۳/۱/۲. اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی از مؤسسه بین‌المللی یک‌نواخت سازی حقوق خصوصی، قرارداد با صرف توافق طرفین نسبت به آن‌ها لازم‌الاجرا بوده و نیازی به انجام تشریفات خاص دیگری که ممکن است مطابق قوانین داخلی برخی از کشورها لازم باشد نیست.^۱ با این توصیف، طرفین در قراردادهای بالادستی نفت و گاز که

1. *Ibid*, Art 3.1.2: “(Validity of mere agreement) A contract is concluded, modified or terminated by the mere agreement of the parties, without any further requirement; COMMENT: The purpose of this Article is to make it clear that the mere agreement of the parties is sufficient for the valid conclusion, modification or termination by agreement of a contract, without any of the further requirements which are to be found in some domestic laws.”

ماهیت خصوصی داشته و در زمره‌ی قراردادهای تجاری بین‌المللی به حساب می‌آیند نیز نمی‌توانند بدون تراضی و به صورت یک‌جانبه آن را فسخ نموده و یا شرایط آن را به دلخواه تغییر دهند (امین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۲).

۵/۱. اصل برداشت صیانتی از مخازن نفت و گاز

از دیگر اصولی که بر قراردادهای بالادستی نفت و گاز به‌ویژه در سال‌های اخیر مطرح شده است لزوم توجه به تولید صیانتی در آن‌ها می‌باشد. بند ۷ ماده‌ی ۱ قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰ در تعریف موضوع، تولید صیانتی را کلیه‌ی عملیاتی می‌داند که منجر به برداشت بهینه و حداکثری از منابع نفتی کشور در طول عمر منابع مذکور شده و همچنین باعث جلوگیری از اتلاف ذخایر در چرخه‌ی تولید نفت خواهد شد. این اصل در اکثر کشورها مورد توجه قرار گرفته و در قالب‌های مختلف قراردادی سعی در جهت گنجاندن شروط لازم جهت بهینگی قراردادهای نفتی شده است.

۶/۱. اصل رعایت ملاحظات و ضوابط زیست‌محیطی

حفاظت از محیط زیست همواره یکی از نگرانی‌های اساسی جوامع بوده و این امر به دنبال صنعتی‌تر شدن آن‌ها و تخریب گسترده و افزایش محیط زیست به امری حیاتی و ضروری برای بشر تبدیل شده است. با این وجود استخراج منابع نفت و گاز اگر با رعایت ضوابط و مقررات مشخصی نباشد ممکن است موجب ورود آسیب‌های جدی به محیط زیست گردد. به عبارت دیگر در قراردادهای بالادستی نفت و گاز خطر بالقوه آسیب رساندن به محیط زیست و همچنین سلامت افراد و سیستم اقتصادی ساکنین محل انجام عملیات وجود دارد (Wawryk, 2009, p.1). از این‌رو به جهت افزایش روزافزون دغدغه‌های محیط زیستی، رعایت استانداردها و ملاحظات مرتبط مورد توجه ویژه‌ی جوامع مختلف قرار گرفته و این امر به ویژه در مباحث مربوط به صنعت نفت و گاز تا جایی پیش رفته است که آن را می‌توان از اصول مهم در انعقاد و اجرای این نوع از قراردادهای در بسیاری از کشورها تلقی نمود. این امر در قوانین ایران نیز وجود داشته و مقررات متفاوتی در راستای حفاظت محیط زیست به تصویب رسیده است. از نمونه‌های موجود در بین قوانین حوزه‌ی نفت و گاز

می‌توان به ماده‌ی ۷ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ اشاره نمود که در آن بر برنامه‌ریزی صحیح، نظارت و مراقبت کامل جهت صیانت و حفاظت منابع و ثروت طبیعی و جلوگیری از آلودگی محیط زیست در جریان عملیات نفتی تأکید شده است.

با این حال ممکن است قوانینی که مانع از وقوع چنین ضایعاتی به خصوص در رابطه با محیط زیست می‌شوند در بسیاری از کشورها ابتدایی و ناکارآمد بوده و یا قابلیت و ضمانت اجرایی لازم را دارا نباشند (Ibid). به همین جهت استانداردهایی در سطح بین‌المللی در رابطه با قراردادهای فوق در نظر گرفته شده و کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای در حال توسعه که دارای مقررات داخلی کافی در زمینه‌ی حمایت از محیط زیست نمی‌باشند تشویق به گنجاندن آن‌ها در قراردادهای خود شده‌اند (Tienhaara, 2011, p.5). از این‌رو در بیشتر قراردادهای کلان بالادستی نفت و گاز که با محیط زیست و تکنولوژی در ارتباط هستند شروطی گنجانده می‌شود که طبق آن، طرف دیگر قرارداد در زمینه‌ی موضوعاتی مشخص مانند مسائل مربوط به محیط زیست باید به عرف پسندیده‌ی بین‌المللی (Good International Practices) رجوع کند (Wawryk, 2009, p.1). این شروط علاوه بر عرف پسندیده‌ی بین‌المللی با عناوین متفاوتی از قبیل بالاترین استانداردها (Best Practices)، بالاترین استانداردهای بین‌المللی (Best International Practices)، عرف پسندیده‌ی میادین نفتی (Good Oilfield Practices)، در قراردادهای بالادستی نفت و گاز هستند که ممکن است دارای بار حقوقی متفاوتی باشند. عده‌ای معتقدند بهتر است همواره به بالاترین استانداردهای بین‌المللی در مقابل عرف بین‌المللی ارجاع گردد (Kasimbazi, 2012, p.217).

قانون نفتی سال ۱۹۶۷ استرالیا تعریفی را برای این نوع از شروط ارائه می‌دهد که مطابق آن عرف پسندیده‌ی میادین نفتی به موضوعات کلی پسندیده و ایمن مقبول در رابطه با استخراج نفت و گاز اطلاق می‌شود.^۱ رعایت این استانداردها و یا عرف بین‌المللی در قراردادهای بالادستی نفت و گاز معمولاً در رابطه با روش‌های انجام عملیات، ممانعت از

1. *Petroleum (Submerged Lands) Act 1967*, Act No 118 of 1967-81 (Cth) Canberra, Australia, Art. 5(1): "...all those things that are generally accepted as good and safe in the carrying on of exploration for petroleum, or in operations for the recovery of petroleum, as the case may be."

آسیب‌رسانی به بدنه‌ی تولید، حفاظت از محیط زیست و مسائل مرتبط با سلامتی و ایمنی ساکنین محل انجام عملیات اشاره می‌گردد (Argyle, 1983, p.22) مثال: می‌توان به قرارداد نمونه‌ی امتیازی برزیل ۲۰۱۳ اشاره نمود که در آن در موارد مختلفی به بالاترین استانداردهای صنعت نفت (Best Practices of Oil Industry) ارجاع داده شده است.^۱ ماده‌ی ۲۸/۳/۱ قرارداد نمونه‌ی فوق، تعریفی ارائه داده که مطابق آن بالاترین استانداردهای بین‌المللی به روش‌هایی اطلاق می‌شود که در کل در صنعت نفت در جهان توسط شرکت‌های معقول و کوشا در شرایط مشابه به کار بسته شده تا اعمال بالاترین تکنولوژی‌های موجود در زمینه‌ی استخراج و تولید نفت و همچنین ایمنی و حفاظت از محیط زیست را تضمین نماید.^۲

۲. ویژگی‌های قراردادهای بالادستی نفت و گاز

دسته‌ای از ویژگی‌های خاص در قراردادهای بالادستی نفت و گاز هست که بین انواع آن‌ها مشترک بوده و نقش به‌سزایی در روند انعقاد، اجرا و تفسیر این دسته از معاملات ایفا می‌نمایند. در مبحث حاضر این دسته از ویژگی‌های خاص قراردادهای بالادستی نفت و گاز بررسی شده که شامل ماهیت بین‌المللی این عقود (بند ۱)، پیچیدگی (بند ۲)،

1. Model Concession Contract for Exploration and Production of Oil and Natural Gas, Federative Republic of Brazil Ministry of Mines and Energy, Brazil, 2013, art 5.3, art 5.9, art 9.10.1, art 10.3.1, art 10.10, art 11.2, art 11.14, art 12.7, art 12.11, art 14.10, art 14.12, art 14.17, art 18.6, art 20.2, art 21.1, art 33.9.

2 *Ibid*, Art. 1.3.28: "Best Practices of the Oil Industry: means practices and procedures generally employed in the oil industry in the world, by prudent and diligent companies, subject to conditions and circumstances similar to those experienced with regard to appearance or relevant aspects of the Operations, aiming mainly to guarantee: (a) application of the best world Exploration and Production techniques in force; (b) conservation of oil and gas reserves, which implies the use of methods and procedures appropriate to maximize the recovery of hydrocarbons in a technical, economic and environmentally sustainable way, with the corresponding control of the decline of reserves and the minimization of losses on the surface; (c) operational safety, which requires the employment of methods and processes that ensure the safety of operations, contributing to the prevention of incidents; (d) preservation of the environment and respect to the people, which determines the adoption of technologies and procedures associated with the prevention and mitigation of environmental damage, as well as the control and environmental monitoring of the operations of Oil and Natural Gas Exploration and Production."

تفکیک‌پذیری (بند ۳)، طولانی مدت بودن (بند ۴)، ارتباط داشتن با کشور میزبان (بند ۵) و ماهیت خاص عوض قراردادی در آن‌ها (بند ۶) است.

۲/۱. ماهیت بین‌المللی

طرفین در قراردادهای بالادستی نفت و گاز به طور معمول از کشورهای مختلف می‌باشند چرا که صاحبان مخازن و شرکت‌های نفت و گاز که در رابطه با اکتشاف و استخراج آن فعالیت دارند معمولاً از کشورهای متفاوتی با یک‌دیگر می‌باشند. از همین جهت است که این قراردادها در زمره‌ی قراردادهای تجاری بین‌المللی به حساب می‌آیند و همان‌طور که از نام‌گذاری قراردادهای تجاری بین‌المللی پیداست خاصیت بین‌المللی بودن آن‌ها یکی از ویژگی‌های مهم این قراردادها به شمار می‌آید. به دلیل ماهیت بین‌المللی قراردادهای بالادستی نفت و گاز، طرفین آن که در اغلب موارد از کشورهای مختلفی هستند در رابطه با قانون حاکم بر قرارداد دارای نظرات و رجحان مختلفی می‌باشند و گاهی رسیدن به قانون حاکم مشترکی به چنان چالشی پیش روی این قراردادها تبدیل می‌شود که موجب عدم توانایی طرفین برای رسیدن به توافق برای انعقاد قرارداد خواهد شد (کریمی و کریمی، ۱۳۹۶: ۱۳۲). علاوه بر بحث انتخاب قانون حاکم، طرفین ممکن است در رابطه با انتخاب مرجع صالح برای رسیدگی به اختلافات هم دچار مشکل شوند. بنابراین تعبیه‌ی فرآیندی که طی آن بتوان خواست‌همه‌ی طرفین دعوا را در نظر گرفت و برآورده کرد ضروری است.

۲/۲. پیچیدگی

قراردادهای بالادستی نفت و گاز در قالب‌های مختلف قراردادی منعقد گردیده و دارای اجزا مختلف قراردادی می‌باشند. کارهای تحقیقاتی اکتشاف، پروژه‌های مهندسی استخراج، تأمین مالی، بیمه، حمل و نقل و شیوه‌ی حل و فصل اختلافات ناشی از قرارداد از نمونه‌ی اجزای مختلفی بوده که در اکثر این نوع قراردادها که دارای انواع متفاوتی نیز می‌باشند هستند (Choi, 2009, p.2). به علاوه سیستم‌های پرداختی و مالیاتی که در این نوع از قراردادها جای داده شده است بسته به قانون حاکم بر آن‌ها بسیار متفاوت است (Fathi Ghandour, 2011, p.62) و این قراردادها باید علاوه بر مالیات بر درآمد، سایر

هزینه‌های مالیاتی مانند مالیات بر ارزش افزوده و یا مالیات واردات و صادرات را نیز در نظر بگیرند (Wright & Gallun, 2005, p.26). این موضوع به خصوص در کشورهای میزبانی مانند: کشورهای آمریکای شمالی که سیستم مالیاتی قوی دارند موضوع بسیار مهمی در بحث تعیین هزینه‌های طرح است. بنابراین مدیریت همه‌جانبه، دانش گسترده و تخصص در انعقاد این معاملات ضروری به نظر می‌رسد.

۲/۳. تفکیک‌پذیری

همان‌طور که گفته شد قراردادهای بالادستی نفت و گاز معمولاً از اجزای متفاوتی علاوه بر بدنه‌ی اصلی و هدف قرارداد تشکیل شده‌اند که برای مثال می‌توان به حمل و نقل، تأمین مالی، بیمه و داوری اشاره نمود. با این حال امکان تفکیک برخی از قسمت‌های مختلف قراردادهای بالادستی نفت و گاز وجود دارد. به عبارت دیگر، این قراردادها می‌توانند به صورت بخش‌های مختلف و مجزا مانند قسمت تخصصی قراردادها، اقتصادی و بازرگانی، مالی، حقوقی و مسائل مربوط به محیط زیست بررسی گردند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰). برای مثال در قراردادهای بالادستی نفتی، اکتشاف، مهندسی، تأسیسات، و استفاده از آخرین تکنولوژی را می‌توان در جرگه‌ی بخش تخصصی قرارداد به حساب آورد. نرخ بازگشت سرمایه، صادرات و واردات، حمل و نقل بین‌المللی و بیمه هر یک از اجزای مختلف صمت مالی و بازرگانی قراردادها به شمار می‌آیند. همچنین موضوعاتی چون حسابداری، تأمین مالی و سیستم مالیاتی از اجزای بخش مالی این نوع قراردادها به شمار می‌آیند. تعهدات و حقوق طرفین، حل و فصل اختلافات و قانون حاکم نیز از جمله موارد تحت شمول قسمت حقوقی قرارداد به حساب می‌آیند (همان). به عبارت دیگر قراردادهای بالادستی نفت و گاز از قسمت‌های مختلف و تفکیک‌پذیری تشکیل شده‌اند که در نهایت باید به عنوان یک بدنه‌ی هماهنگ برای نیل به هدف خاص عمل نمایند.

۲/۴. طولانی مدت بودن

اکتشاف، برپایی تأسیسات و بهره‌وری از منابع نفت و گاز نیازمند مدت زمان طولانی بوده و در نتیجه‌ی طبیعت موضوعشان، قراردادهای بالادستی نفت و گاز، در زمره‌ی قراردادهای طولانی‌مدت به شمار می‌آیند (Mabadi, 2008, p.1). برای مثال: بر اساس ماده‌ی ۱/۴ الف) یک قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک در راستای استخراج منابع طبیعی دریای خزر، مدت زمان اجرای این قرارداد و قابلیت اجرایی آن ۳۰ سال خواهد بود.^۱ ویژگی بلند مدت بودن موجب می‌شود که پیش‌بینی هزینه‌ها و درآمد در طولانی‌مدت با مشکل روبه‌رو شود (کریمی، ۱۳۹۹: ۲۷۵). علاوه بر این قانون حاکمی که در ابتدای قرارداد بر سر آن توافق شده است ممکن است در تمام مدت قرارداد کارآمد نباشد. برای مثال ممکن است در قسمتی از قانون حاکم تغییری ایجاد شود که آن را از مطلوب طرفین دور نماید. به همین جهت طرفین شروطی را برای تثبیت پاره‌ای از قوانین که برای آن‌ها اساسی به حساب می‌آید در قالب شروط ثبات در قرارداد وارد می‌نمایند.

۲/۵. ارتباط داشتن با کشور میزبان

در قراردادهای بالادستی نفت و گاز که مکان مقصد قرارداد اهمیت ویژه‌ای داشته و با اکتشاف و بهره‌برداری از منابع در کشور میزبان همراه است رابطه‌ی بین وقوع قرارداد با کشور میزبان از ویژگی‌های خاص این نوع قراردادها به حساب می‌آید. برای مثال: اکتشاف و استخراج نفت و مشتقات آن موضوع اصلی قراردادهای نفتی است که از دید کشور میزبان، سرمایه‌ی ملی بوده و علاوه بر جنبه‌ی اقتصادی در برخی موارد دارای

1. Agreement on the Joint Development and production Sharing for the Azeri and Chirag Fields and the Deep Water Portion of the Gunashli field in the Azerbaijan Sector of the Caspian Sea, among the State Oil Company of the Azerbaijan Republic and Amoco Caspian Sea Petroleum Limited, BP Exploration (Caspian Sea) Limited, Delta Nimir Khazar Limited, Den Norske Stats Oljeselskap a.s, Lukoil Joint Stock Company, Mcdermott Azerbaijan Inc., Pennzoil Caspian Corporation, Ramco Hazar Energy Limited, Turkiye Petrolleri A.O., Unocal Khazar Ltd., Agreement Date: 20 September 1994, Verification Date: 1 February 2003, art 4.1(a) at 10.

حساسیت‌های اجتماعی و سیاسی نیز می‌باشند. در ادامه مواردی که موجب ارتباط مستمر قراردادهای فوق با کشورهای میزبان شده بیان می‌گردد.

الف. مالکیت معادن، مخازن و منابع طبیعی

در قراردادهای بالادستی نفت و گاز، شرکت‌های تجاری باید ابتدا با مالکین این منابع به توافق برسند. مالکیت مخازن و منابع هر کشوری می‌تواند دولتی و یا خصوصی باشد. در ایالت متحده آمریکا و قسمت‌هایی از کانادا، منابع طبیعی دارای مالکیت خصوصی هستند به استثنای آن دسته از منابع طبیعی که در مکان‌های عمومی وجود دارند (Moerbe, 2000, p.1). در حالی که در برخی دیگر از کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران، مالکیت منابع طبیعی، عمومی هست.^۱ عمومی یا خصوصی بودن مالکیت منابع نفت و گاز در قالب‌ها و شروط ضمن عقد قراردادهای نفت و گاز تاثیر بسزایی می‌گذارد. اگر مالکیت عمومی برای منابع طبیعی وجود داشته باشد دولت کشورهای میزبان مستقیم در مراحل

۱. برای نمونه، تعدادی از قوانین اساسی کشورهای گوناگون که در آن به مالکیت عمومی منابع طبیعی اشاره شده است، به شرح ذیل می‌باشد:

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۴۵: انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آبهای عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگلها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل کند. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.

- قانون اساسی آلمان، اصل ۱۵: زمین، منابع طبیعی و وسایل تولید را برای انتفاع عامه می‌توان به مالکیت عموم یا صورت‌های دیگر اقتصادی که تابع نظارت عمومی باشد، به وسیله قانونی که چگونگی و میزان جبران خسارت را تعیین کند درآورد.

- قانون اساسی اندونزی، اصل ۳۳/۳: زمین، آب و ثروت‌های طبیعی توسط دولت کنترل شده و برای استفاده همه مردم بهره برداری خواهد شد.

- قانون اساسی تاجیکستان، اصل ۱۳: زمین، ثروت‌های زیرزمینی، آب، فضا، عالم نباتات و حیوانات در مالکیت دولت است. دولت استفاده از زمین و سایر ثروت‌های طبیعی و منابع آن محیط زیست را که منافع خلق (ملت) تاجیکستان در آن است تضمین می‌کند.

- قانون اساسی الجزایر، اصل ۱۷: دارایی‌های عمومی جزو اموال ملی است. دارایی‌های مزبور منابع زیرزمینی، معادن و معادن سنگ، منابع طبیعی انرژی، ثروت‌های معدنی، طبیعی و زنده مناطق مختلف دریایی ملی، آب‌ها و جنگل‌ها را شامل می‌شود.

انعقاد این قراردادها فعالیت دارند. همچنین در مواردی که مالکیت خصوصی هست نیز دولت‌ها، غیر مستقیم مثل: از طریق دریافت مالیات دخیل می‌باشند.

ب. پاسخ‌گویی به مصارف داخلی

با توجه به میزان بالای تقاضای منابع طبیعی به خصوص نفت و گاز، مقداری از تولید باید برای ارائه‌ی خدمات عمومی به مصرف‌کننده داخلی در نظر گرفته شود. این موضوع آن قدر اهمیت دارد که در غالب قراردادهای بالادستی نفت و گاز شرطی برای تأمین نیازهای داخلی کشور میزبان گنجانده شده است. به موجب این شرط، کشور میزبان می‌تواند از تولیدات منابع طبیعی مانند: نفت و گاز، به مقداری که در قرارداد مقرر گردیده برای مصرف داخلی استفاده نماید و طرف دیگر قرارداد موظف است که این میزان را برای آن‌ها فراهم نماید.

برای مثال: بر اساس ماده‌ی ۱/۱۸ قرارداد مشارکت در تولید که بین دولت اوگاندا و یک شرکت نفتی در سال ۲۰۱۲ منعقد گردیده بود دولت اوگاندا حق دارد قسمتی از کل تولیدات نفت خام را با درجه و کیفیتی که خودش انتخاب می‌نماید برای پاسخگویی به تقاضای داخلی استفاده نماید.^۱ همچنین در قرارداد دیگری که طرفین آن دولت کنیا و شرکتی نفتی هستند نیز چنین تعهدی به عنوان شروط ضمن قرارداد آورده شده است. مطابق ماده‌ی ۲۹ این قرارداد مشارکت در تولید، شرکت نفتی موظف است میزانی از نفت خام سهم خود را که برای مصرف داخلی در کنیا نیاز است به دولت کنیا بفروشد.^۲

1. Production Sharing Agreement for Petroleum Exploration Development and Production in the Republic of Uganda, Between the Government of the Republic of Uganda and Tullow Uganda Limited, In respect of Exploration Area 1, Art. 18.1 at 41: "Out of the total quantity of Crude Oil production to which the Licensee is entitled in each Calendar Quarter, the Government may elect to take a quantity of Crude Oil, of the gravity, grade and quality of its choice, that the Government requires to satisfy the requirements of internal consumption in Uganda for such Calendar Year..."

2. Production Sharing Contract between the Government of the Republic of Kenya and ERHC AGC Profond Ltd., Art. 29: "The Contractor shall have the obligation to supply in priority Crude Oil for domestic consumption in Kenya and shall sell to the Government that portion of the Contractor's share of Production, which is necessary to satisfy the domestic supply requirements in accordance with the following provisions."

ج. استفاده از تولیدات و نیروی کار محلی

قراردادهای بالادستی نفت و گاز، قراردادهای عظیمی هستند که نیازمند میزان قابل توجهی تولیدات و نیروی انسانی می‌باشند. به همین دلیل کشورهای میزبان در پی استفاده از این فرصت در راستای ایجاد فرصت‌های شغلی و ارتقا میزان تولیدات داخلی می‌باشند. در همین راستا شروطی ضمن قراردادهای بالادستی نفت و گاز در رابطه با لزوم استفاده‌ی حداکثری از تولیدات و نیروی کار داخلی گنجانده می‌شود. بر اساس وجود چنین شروطی، قانون کار کشور میزبان در قسمتی از قراردادها دخیل می‌شود.

ماده‌ی ۱۵ قرارداد مشارکت در تولید بین دولت تانزانیا و شرکت‌های نفتی مقرر می‌دارد که شرکت نفتی طرف قرارداد باید اولویت را به کالاهای و محصولات داخلی بدهد.^۱ این ماده در ادامه تصریح می‌کند که این کالاهای به شرطی باید در الویت قرار بگیرند که دارای کیفیت مقبول و کمیت نیاز باشند. همچنین بر اساس ماده ۲/۱۵ همین قرارداد، طرف قرارداد باید تا جایی که ممکن است اولویت را به استخدام نیروی کار تانزانیایی قرار دهد.^۲ مثال دیگر چنین شروط ضمن عقدی را می‌توان در قرارداد مشارکت در تولید بین شرکت نفتی و دولت کنیا مشاهده نمود. ماده‌ی ۱۳ این قرارداد به لزوم استخدام نیروهای داخلی و آموزش آن‌ها تا زمان خاتمه قرارداد اختصاص داده شده است.^۳ همچنین بر اساس ماده‌ی

1. Production Sharing Agreement between the Government of the United Republic of Tanzania, Tanzania Petroleum Development Corporation and PanAfrican Energy Tanzania Limited, Relating to the Songo Gas Field, Dar es Salam, Art. 15: "PanAfrican Tanzania shall give preference to the purchase of Tanzanian goods and materials; provided, however, that such goods and materials are of an acceptable quality and are available on a timely basis in the quantity required, on competitive terms."

2. *Ibid*, art 15.2: "PanAfrican Tanzania shall also give preference to the employment of Tanzanian service contractors as far as they are financially and technically competent and possess the necessary skills to perform the work required by PanAfrican Tanzania, and such contractors are available on a timely basis and on competitive terms."

3. Production Sharing Contract between the Government of the Republic of Kenya and ERHC AGC Profond Ltd., Art, 13: "The Contractor, its contractors and sub-contractors shall, where possible, employ Kenya citizens in the Petroleum

۱/۳۱ همین قرارداد، طرف قرارداد باید تا جایی که قیمت، کمیت، کیفیت و زمان تحویل کالای داخلی با مشابه خارجی آن برابری می‌کند اولویت را به استفاده از محصولات داخلی ساخت کنیا بدهد.^۱

۲/۶. ماهیت غیر معین عوض

عوض در معنای کلی ما به ازایی است که ایجاب‌دهنده درخواست می‌نماید (Williston, 1913-1914, p.506). در اصطلاح حقوقی، عوض به چیزی گفته می‌شود که در کل و یا حداقل برای طرفین قرارداد، دارای ارزش بوده و برای عقد قرارداد بین آن‌ها در ازای موضوع قرارداد معامله می‌شود (West's Encyclopedia of American Law, 2008, Consideration). پرداخت میزان معینی پول، تعهد به انجام عملی و یا حتی تعهد به عدم انجام فعلی می‌تواند به عنوان عوض برای طرفین قرارداد به حساب آید (Ibid). به عبارت دیگر عوض تعهدی است که در قبال موضوع قرارداد داده می‌شود که باید منفعتی برای طرف دیگر قرارداد که تعهد برای او ایجاد شده و یا شخص سومی از طرف او داشته باشد (Bouvier, 1856: Consideration). وجود عوض نقش بسزایی در صحت و اعتبار قرارداد ایفا می‌نماید. به پیوست قراردادهای بالادستی نفت و گاز، قراردادهایی بین طرفین جهت دریافت نفت منعقد می‌شود که از روش‌های استهلاک سرمایه است و شرایط خاصی که در برخی از این قراردادهای حاکم است عوض را در این نوع قراردادهای تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. قابلیت پیش‌بینی کمیت و کیفیت و نرخ سیال نفت و گاز از نمونه‌های این شرایط خاص می‌باشند که اشاره خواهند شد.

Operations, and until expiry or termination of this Contract, shall train those citizens. The training program shall be established with the consultation of the Minister.”

1. *Ibid*, art 31.1: “The Contractor, its contractors and subcontractors shall give preference to Kenyan materials and supplies for use in Petroleum Operations as long as their prices, quality, quantities and timeliness of delivery are comparable with the prices, quality, quantities and timeliness of delivery of non-Kenyan materials and supplies.”

الف. کمیت و کیفیت غیر قابل پیش‌بینی مبیع

در پاره‌ای از قراردادهای بالادستی نفت و گاز کمیت و کیفیت دقیق مبیع مشخص نمی‌باشد. برای مثال در پاره‌ای از قراردادهای مربوط به استخراج معادن و یا قراردادهای مرتبط با اکتشاف و استخراج نفت خام و گاز، عوض قرارداد بر اساس میزان مشخصی از منابع داخل مخزن تعیین می‌شود که کیفیت موادی که استخراج می‌شوند و همچنین میزان دقیق آن در زمان انعقاد قرارداد روشن نیست. بر همین اساس شروطی ضمن انعقاد چنین قراردادهایی گنجانده می‌شود که مربوط به نحوه‌ی تعیین عوض بعد از استخراج بر اساس اندازه‌گیری دقیق کیفیت و کمیت مبیع می‌باشد.

برای مثال: بر اساس ماده‌ی ۱/۲۵ قرارداد مشارکت در تولید بین دولت کنیا و شرکت‌های نفتی، میزان و کیفیت نفت تولیدی از منطقه‌ی تحت پوشش قرارداد باید توسط ابزاری اندازه‌گیری شود که در صنایع بین‌المللی نفت و گاز استفاده گردیده و به تأیید مقامات کنیایی نیز درآید.^۱ نمونه‌ی دیگر این دسته از شروط ضمن عقد را می‌توان در ماده‌ی ۲/۱۳ قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک و مشارکت در تولید مربوط به قسمتی از دریاچه‌ی مازندران که متعلق به کشور آذربایجان می‌باشد جست‌وجو نمود. بر اساس این ماده، میزان و کیفیت نفت تولید شده باید با روش‌های قابل قبول در صنایع نفت در سطح بین‌المللی اندازه‌گیری شده و توسط طرفین نظارت شود.^۲ همچنین در ماده‌ی ۱۱ قرارداد بالادستی نفتی در نیجریه روش‌های متفاوت برای تعیین نموده میزان و کیفیت نفت خام تولیدی موضوع قرارداد آورده شده است (Strategic Alliance Agreement between (Nigerian..., 2010, p.28).

1. Production Sharing Contract between the Government of the Republic of Kenya and ERHC AGC Profound Ltd., art 25(1): "The volume and quality of Petroleum produced and saved from the Contract Area shall be measured by methods and appliances customarily used in good international petroleum industry practice and approved by the Minister."

2. Agreement on the Joint Development and production Sharing for the Azeri and Chirag Fields and the Deep Water Portion of the Gunashli field in the Azerbaijan Sector of the Caspian Sea, art 13.2(a) at 41: "the volume and quality of petroleum produced by contractor shall be measured by methods and appliances in accordance with generally accepted international Petroleum industry practice, and shall be monitored by the Parties."

بنابر آنچه گفته شد یک توافق کلی برای نحوه‌ی اندازه‌گیری کیفیت و کمیت نفت خام و سایر منابع طبیعی در زمان انعقاد قرارداد هست. با این وجود ارزیابی قطعی باید در حین اجرای قرارداد انجام شود. در عین حال در برخی از نظام‌های حقوقی، جهل به عوضین در زمان انعقاد قرارداد موجب می‌شود تا بر صحت قرارداد خدشه وارد گردد. برای مثال: مطابق ماده‌ی ۲۳۳ قانون مدنی ایران^۱، شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود موجب بطلان عقد است که این مسأله باید در زمان انعقاد قرارداد و انتخاب قانون حاکم توجه شود.

ب. نرخ سیال مبیع

نرخ نفت خام و یا گاز طبیعی ثابت نبوده و سیستمی برای ارزیابی قیمت نفت و سایر محصولات پتروشیمی هست. و به دلیل طولانی بودن زمان اجرای قراردادهای بالادستی نفت و گاز که برای اکتشاف و استخراج نفت می‌باشند امکان محاسبه قیمت نفت و گاز در زمان انعقاد قرارداد وجود ندارد. برای حل این مشکل در اغلب قراردادهای بالادستی نفت و گاز به «قیمت بازار» (Market Price) برای ارزیابی قیمت نفت خام و گاز طبیعی در هر مقطعی از اجرای قرارداد ارجاع می‌شود. برای مثال: ماده‌ی ۱۵/۱ قرارداد مشارکت در تولید بین دولت اوگاندا و شرکت نفتی طرف قرارداد مقرر می‌دارد که نفت خام به هر دلیلی که در قرارداد نیاز به قیمت‌گذاری آن باشد، باید در آخر هر ماه و با توجه به قیمت بازار ارزیابی گردد.^۲ این موضوع ابهام در ارزش یکی از عوضین در زمان انعقاد قرارداد ممکن

۱ «شروط مفصله ذیل باطل و موجب بطلان عقد است: ۱. شرط خلاف مقتضای عقد ۲. شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود».

2 Production Sharing Agreement for Petroleum Exploration Development and Production in the Republic of Uganda, art 15.1: "Crude Oil shall, for all purposes of this Agreement, be valued at the end of each Month ... the market price ("Market Price") used to value Crude Oil shall, where arm's length sales transactions is freely convertible currencies of Crude Oil to third parties have been made during the preceding month, be the weighted average of the per Barrel net realized price obtained FOB at the Seaboard Terminal or any other point of export for such

است در برخی نظام‌های حقوقی موجب شود تا صحت عقد زیر سوال برود و باید در هنگام انعقاد قرارداد بدان توجه شود.

arm's length third party sales less, in the event that a separate pipeline company is formed pursuant to paragraph 16.2, the average tariff charge per Barrel for such month imposed by the pipeline company for transporting the oil from the Delivery Point to the Seaboard Terminal or any other point of export.”

نتیجه گیری

براساس رویه‌ی بین‌المللی و عرف موجود در حقوق نفت و گاز، اصول مشترکی بر قراردادهای بالادستی نفت و گاز حاکم است. از اساسی‌ترین اصول مذکور می‌توان به اصل حاکمیت اراده‌ی طرفین و آزادی قراردادی، اصل آزادی ادله، اصل آزادی طرفین در انتخاب شیوه‌ی حل و فصل اختلافات، اصل الزام‌آور بودن توافقات و تعهدات طرفین قرارداد، اصل برداشت صیانتی از مخازن نفت و گاز و اصل رعایت ملاحظات و ضوابط زیست‌محیطی قرارداد اشاره نمود. به علاوه قراردادهای بالادستی نفت و گاز با وجود انواع مختلف و گاه کامل متفاوتی که با یکدیگر دارند دارای ویژگی‌های مشترکی هستند. ماهیت بین‌المللی این عقود، پیچیدگی، تفکیک‌پذیری، طولانی مدت بودن، ارتباط داشتن با کشور میزبان و ماهیت خاص عوض قراردادی در آن‌ها در زمره‌ی ویژگی‌ها مشترک قراردادهای بالادستی نفت و گاز به حساب آورده می‌شوند.

در رابطه با ویژگی‌های قراردادهای بالادستی نفت و گاز می‌توان به ماهیت بین‌المللی آنها به عنوان شاخصه‌ی مهم این نوع معاهدات اشاره کرد. پیچیدگی از دیگر ویژگی‌های این نوع قراردادها می‌باشد. با توجه به عوامل مختلفی که در قراردادهای بالادستی نفت و گاز ایفای نقش می‌نمایند این قراردادها از اجزا مختلفی علاوه بر بدنه‌ی اصلی و هدف قرارداد تشکیل شده‌اند که دارای قابلیت تفکیک‌پذیری می‌باشند. برای مثال: می‌توان به بخش‌های مختلف قراردادی مانند: اکتشاف، مهندسی، حمل و نقل، تأمین مالی، بیمه و داوری اشاره نمود. تئوری تقطیع می‌تواند با در نظر گرفتن و اعمال بهترین قانون در رابطه با هر یک از موارد اشاره شده مقررات مناسب‌تر و کارآمدتری را بر آن‌ها بار نماید. طولانی مدت بودن ویژگی دیگری است که در غالب قراردادهای بالادستی نفت و گاز به دلیل زمان‌بر بودن فرآیند اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری به چشم می‌خورد. این ویژگی موجب روبه‌رو شدن با مشکل در پیش‌بینی هزینه و درآمد در طولانی مدت شود.

ویژگی دیگری که در قراردادهای بالادستی نفت و گاز هست: بحث ارتباط داشتن قرارداد با کشور میزبان می‌باشد. مالکیت کشور میزبان بر منابع نفت و گاز، لزوم پاسخ‌گویی به نیازهای داخلی از تولیدات حاصل از قرارداد و لزوم استفاده از تولیدات و نیروهای کار

محلی از جمله مواردی است که این ارتباط را به وجود می‌آورد. در دسته‌ای از قراردادهای بالادستی نفت و گاز، ماهیت عوض غیر معین بوده و تعیین آن در زمان انعقاد قرارداد ممکن نیست. غیر معین بودن عوض از دیگر ویژگی‌های موجود در دسته‌ای از قراردادهای بالادستی نفت و گاز به حساب می‌آید. این امر ممکن است ناشی از کمیت و کیفیت غیر قابل پیش‌بینی مبیع و یا نرخ سیال آن باشد. برای مثال در آن دسته از قراردادهای بالادستی نفتی که سرمایه‌گذار در مقابل کار خود، نفت خام را به عنوان عوض قرارداد دریافت می‌کند میزان نفت خام موجود در مخزن، کیفیت آن و همچنین قیمت آن در زمان استخراج قابل پیش‌بینی نمی‌باشد.

توجه و اعمال اصولی که در رابطه با قراردادهای بالادستی نفت و گاز مطالعه گردید از پیش‌شرط‌های مقبولیت انواع قالب‌های پیشنهادی نوین در زمینه‌ی انعقاد قراردادهای فوق می‌باشد. به علاوه ویژگی‌های مشترکی که با بررسی انواع متفاوت قراردادها در کشورهای مختلف و بررسی مفاد آن به دست آمده و مطالعه شد می‌تواند راهگشای پژوهشگرانی باشد که سعی در نظریه‌پردازی در زمینه‌ی این قراردادها دارند. در پایان پیشنهاد می‌شود که در راستای انعقاد، اجرا و تفسیر این قراردادها و همچنین در رابطه با پیشنهاد تئوری‌ها و نظریه‌های قابل اعمال بر این دسته از قراردادها، علاوه بر اهتمام هرچه بیشتر بر رعایت اصول حاکم بر آنها، ویژگی‌های مشترک این دسته از عقود نیز توجه شود.

منابع

(۱) منابع فارسی

- ابراهیمی، سید نصرالله و جوان دل جانانلو، فرخ (۱۳۹۴). مدیریت تفلسی ریسک در تنظیم قراردادهای بین المللی نفت. دو فصل نامه مطالعات حقوق انرژی، ۱، ۲۰.
- ابراهیمی، سید نصرالله، تقی زاده، ابراهیم و سریر، فرزانه (۱۳۹۳). بررسی اصول حقوقی حاکم بر قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز در ایران. نشریه دانش حقوق مدنی، ۶، ۷.
- اعلائی فرد، محمدعلی (۱۳۹۴). حقوق تجارت بین الملل. تهران: انتشارات جاودانه.
- امین زاده، الهام و نصراللهی، علی (۱۳۹۹). تبیین ماهیت قراردادهای نفتی از دیدگاه حقوق اداری. دو فصل نامه مطالعات حقوق انرژی، ۶، ۱، ۲۲.
- فنوائی، جلیل، وحدتی شبیری، سید حسن و عبدی پور، ابراهیم (۱۳۷۹). حقوق قراردادهای در فقه امامیه. زیر نظر: محقق داماد سید مصطفی. جلد ۱. تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادهای. جلد ۱. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ ششم.
- کریمی، سحر (۱۳۹۳). کنوانسیون استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین المللی. تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- کریمی، سحر (۱۳۹۹). بررسی نظریه تقطیع در قراردادهای تجاری بین المللی؛ با نگاه تطبیقی به حقوق آمریکا و اتحادیه اروپا. مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۱، ۱، ۲۷۵.
- کریمی، عباس و کریمی، سحر (۱۳۹۶). اعمال نظریه‌ی تعدد قوانین (دپساز) در روند انتخاب قانون حاکم. فصلنامه‌ی مطالعات حقوق خصوصی، ۴۷، ۱، ۱۳۲.
- کریمی، عباس و سحر کریمی (۱۴۰۱). اندیشه‌های نو در حقوق قراردادهای. تهران: نشر دادگستر، چاپ دوم.
- نصیری، مرتضی (۱۳۷۰). حقوق چندملیتی. تهران: شرکت نشر دانش امروز.

۲) منابع لاتین

کتاب‌ها

- Bouvier, John (1856). A Law Dictionary, Adapted to the Constitution and Laws of the United States.
- Fathi Ghandour, Mohamed (2011). Production Sharing Agreements (PSAs) in Azerbaijan: The Case of Azeri-Chirag-Guneshli (1989). Master of Business Administration Thesis. Paris : IPAG Business School.
- Padfield, C. F. Law Made Simple. 7th ed.
- West's Encyclopedia of American Law (2008). 2nd ed.
- Wright, Charlotte J., and Rebecca A. Gallun (2005). International Petroleum Accounting. The United States of America : PennWell Books.

مقالات

- Argyle, R. E. S. (1983). Governmental Powers over Petroleum Recovery Rates - Offshore Western Australia. University of Western Australia Law Review 15, no. 14.
- Choi, Woosug (2009). Oil and Gas Law : Types of Agreement in International Oil and Gas Operations.
- Kasimbazi, Emmanuel B. (2012) "Environmental Regulation of Oil and Gas Exploration and Production in Uganda." Journal of Energy & Natural Resources Law 30, no. 185.

Mabadi, Amir Hossein (2208). Legal Strategies in Upstream Oil and Gas Contracts to Attract Foreign Investment : Iran's Case. SSRN, January 22.

<http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1745427>.

- Moerbe, Charles. (2000). International Operations : Contracts with the Government and Basic Concepts of International Operating Agreements. Lewis Mosburg's Oil & Gas Newsletter.
- Tienhaara, Kyla (2011) Environmental Aspects of Host Government Contracts in the Upstream Oil & Gas Sector.

- Wawryk, Alexandra S. (2009). International Environmental Standards in the Oil Industry: Improving the Operations of Transnational Oil Companies in Emerging Economies. University of Adelaide.
- Williston, Samuel (1913-1914) Consideration in Bilateral Contracts." Harvard Law Review 27.

قوانین و مقررات

- Basic Law for the Federal Republic of Germany (German: Grundgesetz für die Bundesrepublik Deutschland). (1949)
- Constitution (Basic Law) of the Republic of Tajikistan. (1994).
- Constitution of Algeria. (1963).
- Constitution of Indonesia (Indonesian: Undang-Undang Dasar Republik Indonesia). (1945).
- Petroleum (Submerged Lands) Act 1967. Act No. 118 of 1967-81 (Cth). Canberra, Australia.
- UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts. International Institute for the Unification of Private Law (UNIDROIT), 2016.

قراردادها

- Agreement on the Joint Development and Production Sharing for the Azeri and Chirag Fields and the Deep Water Portion of the Gunashli Field in the Azerbaijan Sector of the Caspian Sea, among the State Oil Company of the Azerbaijan Republic and Amoco Caspian Sea Petroleum Limited, BP Exploration (Caspian Sea) Limited, Delta Nimir Khazar Limited, Den Norske Stats Oljeselskap a.s, Lukoil Joint Stock Company, McDermott Azerbaijan Inc., Pennzoil Caspian Corporation, Ramco Hazar Energy Limited, Turkiye Petrolleri A.O., Unocal Khazar Ltd., Agreement Date: 20 September 1994, Verification Date: 1 February 2003.
- Model Concession Contract for Exploration and Production of Oil and Natural Gas. Federative Republic of Brazil Ministry of Mines and Energy, Brazil, 2013.

- Production Sharing Agreement between the Government of the United Republic of Tanzania, Tanzania Petroleum Development Corporation, and PanAfrican Energy Tanzania Limited, Relating to the Songo Gas Field, Dar es Salaam, Tanzania, 11 October 2001.
- Production Sharing Agreement for Petroleum Exploration Development and Production in the Republic of Uganda, Between the Government of the Republic of Uganda and Tullow Uganda Limited, In Respect of Exploration Area 1, February 2012.
- Production Sharing Contract between the Government of the Republic of Kenya and ERHC AGC Profond Ltd., Relating to Block 11A.
- Strategic Alliance Agreement between Nigerian Petroleum Development Company Limited and Septa Energy Nigeria Limited, The Development and Production of OMLS4, 38, and 41, 2010.